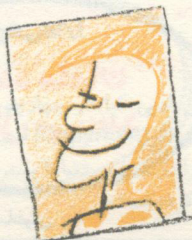




برنده‌ی جایزه‌ی کشتی بخار



فروشی‌ها/۱

یک عدد مامان به فروتنی می‌رسد

کاره سانتوس
تصویرگر: آندرس گِرو
مترجم: سعید متین

۱

اگر می‌خواهی در دنیای تبلیغات موفق شوی،
هیچ وقت راستش را نگو

راستش را بخواهید، من بدون نورا نمی‌توانستم از پس این کار
بربیایم. نورا توی کارهای کامپیوتری از همه بهتر و باهوش‌تر
است. او دوست من است؛ البته نه فقط به این دلیل، بلکه به خاطر
خیلی چیزهای دیگر.

شنبه بعد از ظهر بود. خانه‌ی نورا این‌ها بودیم.
طبق معمول کسی آنجا نبود. نورا عصرانه
را آماده کرد. (بیسکویت با کرم کاکائویی،
آب پرتقال، پاستیل خرسی و پسته) بعد
کامپیوترش را روشن کرد و سایتی را که
درباره‌اش با من حرف زده بود، نشانم داد.
دستش را به طرف صفحه‌ی نمایش نورانی دراز کرد
و گفت: «بیا جلو! بجنب. می‌خواهی کمکت کنم؟»

